



مدرسه تون دیر نشه!

آن کسی که وطن فروخته است قبل از این قصه تن فروخته است آن که توثیت می زند زرزور توی فوتبال گشته میلیاردر نفع او چیست در دیده شدن هیچ الا همیشه دیده شدن در بی این یکی ست عزرائیل آن عجزه عروس اسرائیل *
بگذریم، این نشد طرفداری این نشد در غمی عزاداری این نشد اعتراض اصلا که خون نباید گرفت حتما که چاقو و سنگ را چرا بردی؟ پرچم جنگ را چرا بردی؟ شد منافق دوباره سبز بین پس برو توی خانهات بنشین پسر دم دخترم بخواب نچت! صبح فردا برس به مدرسهات

امر معروف و نهی از منکر از ازل بوده توی کار بشر در اروپا و ناف آمریکا آسیا و تمام آفریقا
گر که قانون کسی بُرد از یاد هر کجا هست می شود ارشاد *
باید البته کرد خوب ارشاد تا گزک دست هر الاغ نداد اشتباهی اگر که هم رخ داد نکند که شویم دشمن شاد *
علیرضا عبدی



تعطیلات تابستان

موضوع انشا: چگونه گذرانید؟
خانم اجازه؟! تا گفتید تعطیلات تابستان، اشک از چشمان مان جاری شد. هر چه تابستان خوش گذشته بود، این تَمَه‌هایش خوب نبود. برادرم که امسال کلاس دهم می‌رود، همین هفته پیش، به ما کلی کار می‌داد. ما هم چون بزرگتری کوچکتری حالی مان می‌شود هم‌هاش را اجرا کردیم.
روی دیوار با زغال می‌نوشت: «#نه_به_اجبار» بعد از گرفتن عکس و فیلم هم، ما را مجبور می‌کرد تا پدرمان ندیده، با یک افتابه و جارو از دیوار پاکش کنیم.
از نبرد فیلم‌های هالیوودی یک تکه برمی‌داشت و خبر می‌زد که تهران سقوط کرد. آخرش هم از من مصاحبه می‌گرفت که الان چه حالی دارم! همان فیلم‌ها را به اسم شهرهای دیگر هم می‌زد.
برای آمدن به مدرسه، باید موهای مان را می‌زدیم. فیلم موهای من و خودش با چشمان شطرنجی شده، با اسم پنجاه نفر، منتشر شد. با دوستانش، دست‌شان را هم‌زمان روی بوق و گاز موتورسیکلت‌شان نگه می‌داشتند و تیر می‌زدند که همدردی تیم ملی موتورسواری با حوادث اخیر! شاید بیرسید که در این آخری من چه نقشی داشتم... خب باید یکی بود تا گوش را ببرد بالا پشت‌بام که آنتن بدهد و این فیلم منتشر شود! کلا آخر تابستان خیلی سخت گذشت.
ما از این انشا نتیجه می‌گیریم که باید شب‌ها زود بخوابیم تا پدرمان همین اول سالی به مدرسه تعهد ندهد.



روزی روزگاری اغتشاش

روزگار تاپی است این روزهای اغتشاش یک سری در زیر باتوم، یک سری هم آتش و لاش می‌شود فرد مغشش! با علاقه ضرب و شتم تا قلنجش نشکند می‌گوید: ای حاجی یواش! یک نفر فریاد زد آتش گرفته پشت من آب را بردار آن جایی که می‌سوزد پیاش! روزی «مو قهوه‌ای» این هفته ماه بارد است اعترافاتش غذا را کرده بهتر: دوغ و آتش بهترین تیزی که دیده سوزن گوشیش بود... بعد می‌گوید: نمی‌ترسم من از کلت و کلاش هر چه می‌خواهد دل تنگت برو هشتک بزین پیچ ما هم می‌شود یک روز و اما بجاش می‌زنم هم خشکت و هم هشتکت پرپر شود تا نفهمی فرقی یار و همسر و زید و کرانش فتنه خشک و تر نمی‌فهمد شدیدا درهم است ای خدا ما را سوا کن از میان این قماش



دراختزاز

پرچم افتخار و عزت ما سایهات مستدام بر سر ما ای که همواره بر بلندایی نقش الله تو هی العلیا

دور قدت همیشه می‌گردیم مگر آسان به دست آوردیم دست بیگانه چون رسد به تنت گر تماشا کنیم نامردیم

چشم مایی تو، چشم دشمن کور نشود مهرت از وجودم دور کی به زیرت کشند، مزدوران مگر از نعش ما کنند عبور

رنگ سبز تو طرح باور ماست سرخی‌ات اقتدار کشور ماست عهد بستیم با شهادت تویی آن چادری که بر سر ماست

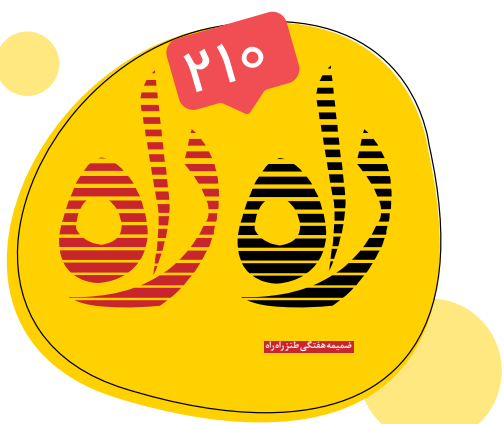
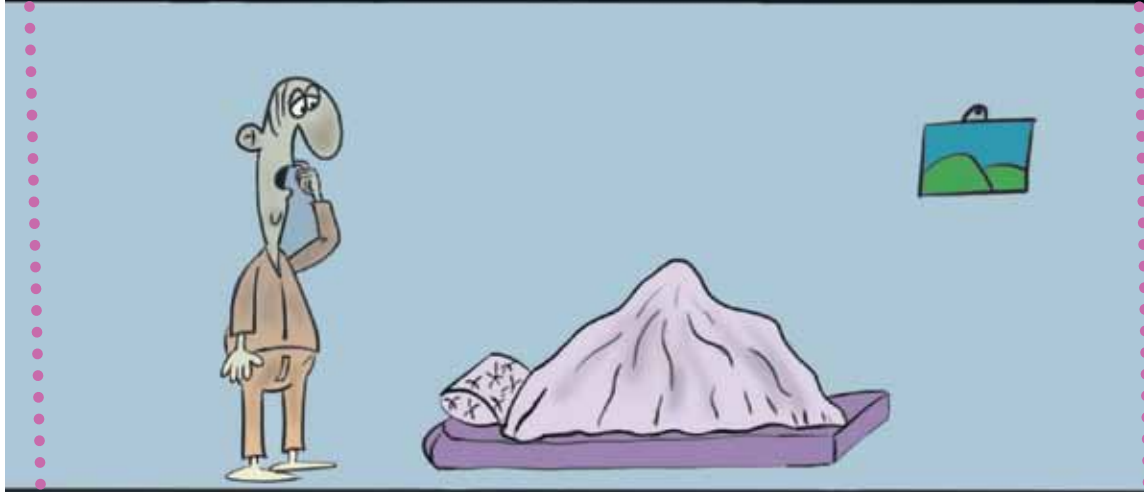
ای سپیدیت روشنای وطن آبرو داده‌ای به مرد و به زن خاک ایران همه حسینیه است کفتم باش وقت جان دادن

اجماع اغتشاشگران، آشوبگران، فریب‌خوردگان و فرصت‌طلبان که با توهم انقلاب، کشور را به آشوب کشیدند و در بستر مجازی قصد براندازی جمهوری اسلامی را دارند!

اغتشاش

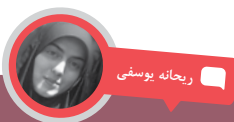
فریب‌خوردگان

این دشمن موش‌مرده کی شیر شده در آینه شکسته تکثیر شده چشمش شده قبیح و چندتایی دیده بیچاره چقدر زود جوگیر شده



کفر پنهان

روسی کردند تا روشن شود کفر پنهان گشته در دل‌هایشان دست‌ها را خوب بالا برده‌اند تا نبینی صد خطا در پای‌شان پرچم آزادی انسان به دست صد صدای قفل اندر نای‌شان عاشقان دستمالی را ببین در صف عشرت شده پیدای‌شان دور میدان پرز توگل می‌شود وای نگذاری چنین تنهای‌شان روسری دادند و تل را نیز هم عاشقی کو؟ تا کند شیدای‌شان در بی آزادی ما رفته‌اند! گرچه بسته چشم و گوش و رأی‌شان دل به کار و بار دشمن بستاند ماهواره منزل و مأوی‌شان نوکر غرب است و شرق است و عرب در زمین و مرز دشمن جای‌شان



تعبیر خواب یک برانداز

اگر در خواب دیدید که شب هنگام هیجان‌زده به وسط خیابان آمده‌اید و گروهی نوجوان را رهبری می‌کنید، تعبیرش این است که به زودی در انتخابات شورای دانش‌آموزی موفق خواهید شد.

اگر در خواب دیدید که به خیابان آمده‌اید و با خود بمب ساعتی آورده‌اید ولی نمی‌دانید ساعتش را به قدیم تنظیم کرده‌اید یا جدید، به زودی خودتان نیز منفجر می‌شوید چون بمبی که به شما داده‌اند تولید ایرانی است.

و اگر خواب دیدید که امتحان هدیه‌های آسمانی دارید ولی شب تا دیروقت در خیابان ترقه‌بازی می‌کنید تعبیر آن ابتلا به عاق والدین است. سریع‌تر به خانه برگردید تا اهل محل روح والدین‌تان را به نیکی یاد کنند.

اگر در خواب همه تهران را گرفتید به جز فیروزکوه و دماوند، به زودی توسط پروفیسور سمعی معاینه خواهید شد ولی او از شما صراحتاً قطع امید خواهد کرد.



فردای انقلاب چه کار کنیم؟

طبق آمار، حدود نیم درصد جمعیت ایران در فضای مجازی به وقایع اخیر واکنش نشان داده و هشتک زده‌اند. این جمعیت قابل توجه نشان می‌دهد، به سقوط رژیم چیزی نمانده و اگر هر سال همین مقدار پیشرفت کنند دوستان سال دیگر قطعاً پیروز خواهند شد. لذا باید کم‌کم به فکر کارهای بعد از انقلاب باشند. ما چندتا از این کارها را لیست کرده‌ایم که به دست‌شان برسانید:

آهنگ شاد داندلود کنید: همیشه یک فلش حاوی آهنگ شاد در جیب داشته باشید. یکپهو دیدید جنبش پیروز شد و صدا و سیما دست شما افتاد، باید بتوانید شرایط را مدیریت کنید و یک فرقی با صدا و سیما میلی داشته باشید. تصور کنید دارید بیانیه پیروزی جنبش را می‌خوانید و در پس‌زمینه آهنگی با ریتم شیش‌وهشت از جواد یساری پیش می‌شود، واقعا حماسی و دشمن‌شکن است.

سند تحول آموزش و پرورش را تنظیم کنید: همه می‌دانند سیستم آموزشی فعلی نیاز به تغییر جدی دارد. مدارس باید ساعت ۱۰ صبح باز و حداکثر یک بعدازظهر تعطیل شوند و سه روز در هفته بیشتر فعالیت نکنند. اساتید دانشگاه نیز باید همه امتحانات را تستی بگیرند، دوسوم جزوه را برای امتحان حذف کنند و ۹.۵ را ۱۰ بدهند. سر جلسه کنکور نیز به جای کیک و ساندیس، دویل‌برگر با نوشابه توزیع شود.

طرح تاسیس چند وزارتخانه جدید را بریزید: در جامعه معضلاتی جدی وجود دارد که تا به حال کسی به فکر رفع آن نیفتاده و هر کدام از فرط جدیت وزارتخانه خاص خود را می‌طلبند. وزارت تخصص اعتبار برای خریدن جان در بازی‌های اینترنتی، وزارت توزیع ترفه تنظیم بازار در چهارشنبه‌سوری و وزارت همگام‌سازی زیرنویس با فیلم‌های دانلودی از آن جمله است.



در محضر ابلیس تَلَمُّذ نکنید با کار بد احساس تمایز نکنید تا حرف حساب‌تان بفهمیم که چیست یک لحظه به یکدیگر تجاوز نکنید!

با بوق‌های خود کردم مجاله‌اش هم‌زیم آمده با رقص باله‌اش دیگر رها شدیم، پیروز گشته‌ایم شد سرنگون رژیم! سطل زباله‌اش!

توتیتر گفته وقت انقلاب است! رژیم این روزها نقش بر آب است! که هر شب سرنگون و روز برپاست!! گمانم جنس آن از آفتاب است

تلخی ته خیار تقدیم تو باد یک گونی نونوار تقدیم تو باد چون خفت شدی مغتش چاقوکنش یک پاچه پر از چنار تقدیم تو باد!

مشت‌وهان

ضمیمه طنز راه راه کاری از پاشاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم‌سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: سامره حبیبی
دبیر سرویس کارتون و فنی: سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی: @ @ @ @
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!